****

[توضیح عبارت تنقیح در ذیل غسل شب بیست و چهارم 1](#_Toc38482987)

[ادامه کلام مرحوم سیّد 2](#_Toc38482988)

[مسأله 15: استحباب غسل شب و روز أوّل به آب جاری 3](#_Toc38482989)

[مسأله 16: وقت غسل شبهای ماه رمضان 5](#_Toc38482990)

[مسأله 17: کفایت غسل دوم شب بیست و سوم از غسل أول شب، در صورت ترک آن 6](#_Toc38482991)

[مسأله 18: عدم نقض أغسال ماه رمضان با حدث أکبر و أصغر 7](#_Toc38482992)

[سوم: غسل عید فطر و عید قربان 7](#_Toc38482993)

[استدراک (مربوط به مسأله 16) 7](#_Toc38482994)

**موضوع**: خصوصیّات - مسائل /غسل شبهای ماه رمضان – غسل عیدین /أغسال مستحبّی

**خلاصه مباحث گذشته:**

###### توضیح عبارت تنقیح در ذیل غسل شب بیست و چهارم

عبارتی در کلام مرحوم خوئی هست که ممکن است بعضی در آن گیر کرده باشند، از جهت اینکه مقرّر بدّ نقل کرده است؛ در غسل شب بیست و چهارم ما که به خصال مراجعه کردیم در إبتداء به صورت مسند از حریز از محمد بن مسلم نقل نموده است؛ تا می­رسد به وسطش که فرموده «قال عبد الرحمن بن أبی عبد الله» که گفتیم ظاهر قال یعنی قال حریز.

در إبتداء روایت فرموده قال (حریز) قال محمد بن مسلم تا می­رسد به وسط روایت که فرموده «و قال عبد الرحمن بن أبی عبد الله» که ظاهر این «و قال» این است که عطف بر قال قبلی است. یعنی قال حریز و قال عبد الرحمن بن أبی عبد الله.[[1]](#footnote-1) خصوصاً که دأب مرحوم صدوق هم بر این نیست که یک روایت مرسله را در وسط یک روایت نقل بکند. و این هم منافاتی ندارد که مرحوم صدوق همین روایت را در فقیه بدون این ضمیمه نقل کرده است. آنی که در فقیه نقل کرده است یک تفاوتی با آنی که در خصال نقل کرده است؛ دارد. در فقیه به نحو ناقص نقل کرده است، بعض اغسال و این ضمیمه وسط را نیاورده است؛ اما در خصال به نحو کامل آورده است. یا مرحوم شیخ طوسی همین روایت را عن حریز عن محمد بن مسلم نقل کرده است؛ و ضمیمه را نیاورده است.

آنی که اشتباه انداز است، ما این جور گفتیم عن حریز قال قال محمد بن مسل، و در وسط هم که گفته «قال» به حریز می­خورد؛ ولی مقرّر می­گوید «قدر راجعنا الخصاص ثم قال قال عبد الرحمن» زیرا در خصال یک قال هست، و در وسائل یک قال دیگر را اضافه کرده است. و إلی آخر الروایه هم نیست، بلکه إلی وسط الروایة است. عبارت «ثم قال» مال روایت نیست؛ بلکه به مرحوم صدوق می­خورد.

###### ادامه کلام مرحوم سیّد

مرحوم سیّد در تتمّه فرمود که آکد از این اغسال، لیالی قدر است؛ که گفتیم درست است. بعد گفته «و ليلة النصف و ليلة سبعة عشر و الخمس و عشرين و السبع و عشرين و التسع و عشرين منه». که گفتیم وجهی برای آکدیّت این موارد پیدا نکردیم.

الّلهم إلّا أن یقال: وجه آکدیّت از این باب است که دو عنوان بر اینها منطبق می­شود؛ مثلاً در لیلة النصف، از باب لیلة النصف و هم عنوان فرد بودن است. و لیلة سبعه عشر هم عنوان فرد بودن و هم خود سبعة عشر که روایت صحیحه داشت. و لیلة خمس و عشرین هم عنوان عشر أواخر را دارد، و هم با توجه به روایتی که می­گوید بیست و پنج، عنوان بیست و پنج را دارد. و هکذا غسل شب بیست و هفتم و غسل شب بیست و نهم.

و لکن باز آن اشکال باقی می­ماند که چرا مرحوم سیّد لیلة اُولی را نیاورده است که هم فرد است و هم روایت معتبره دارد. مضافاً اینکه بگوئیم بیست و پنجمی هم یک عنوان زائد است، و ملاک را قویّ می­کند، یا چون عشر آخر است، ملاک را قویّ می­کند؛ اینها عرفی نیست.

##### مسأله 15: استحباب غسل شب و روز أوّل به آب جاری

مسألة 15: يستحب أن يكون الغسل في الليلة الأولى و اليوم الأول من شهر رمضان‌ في الماء الجاري كما أنه يستحب أن يصب على رأسه قبل الغسل أو بعده ثلاثين كفا من الماء ليأمن من حكة البدن‌ و لكن لا دخل لهذا العمل بالغسل بل هو مستحب مستقل.‌

اینکه فرموده مستحب است که غسل شب أوّل و غسل روز أوّل ماه رمضان در آب جاری باشد، نصّ خاص دارد. ﴿قَالَ وَ رَأَيْتُ فِي كِتَابٍ أَعْتَقِدُ أَنَّهُ تَأْلِيفُ أَبِي مُحَمَّدٍ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ الْقُمِّيِّ عَنِ الصَّادِقِ (علیه السلام) قَالَ: مَنِ اغْتَسَلَ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي نَهَرٍ جَارٍ- وَ يَصُبُّ عَلَى رَأْسِهِ ثَلَاثِينَ كَفّاً مِنَ الْمَاءِ- طَهُرَ إِلَى شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ قَابِل ٍ﴾.[[2]](#footnote-2) دلیل این مطلب، همین روایت به ضمّ أخبار من بلغ است؛ چون این روایت، سند ندارد.

همانطور که مستحب است قبل و بعد از غسل، سی کف از آب بر روی سر خود بریزد. در مورد سی کف هم در همین روایت داشت. ﴿وَ يَصُبُّ عَلَى رَأْسِهِ ثَلَاثِينَ كَفّاً مِنَ الْمَاء ِ﴾. اگر نگوئیم اینکه گفته «ثلاثین» انصراف دارد به اینکه غسل را با این سی کف انجام بدهد. که با این شبهه، اطلاق قبل از غسل و بعد از غسل معلوم نیست.

مرحوم سیّد فرموده این سی کف را بریزد، تا از خارش بدن در امان باشد. این دیگر خیلی زور می­طلبد که از روایت بفهمیم که در امان بودن، بخاطر این سی کف آب است. ﴿قَالَ وَ مِنْ ذَلِكَ الْكِتَابِ الْمُشَارِ إِلَيْهِ عَنِ الصَّادِقِ (علیه السلام) مَنْ أَحَبَّ أَنْ لَا تَكُونَ بِهِ الْحِكَّةُ- فَلْيَغْتَسِلْ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ- فَإِنَّهُ مَنِ اغْتَسَلَ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْهُ- لَا تَكُونُ بِهِ حِكَّةٌ إِلَى شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ قَابِل ٍ﴾.[[3]](#footnote-3) ظاهر این روایت این است که حکّه بخاطر این غسل از بین می­رود؛ و در روایت حکّه هم این سی تا نیست. و آن دو روایت که فرموده ثلاثین، حکّه ندارد. ﴿قَالَ ابْنُ طَاوُسٍ وَ رَوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا إِلَى سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ (علیهم السلام) قَالَ: مَنِ اغْتَسَلَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنَ السَّنَةِ فِي مَاءٍ جَارٍ- وَ صَبَّ عَلَى رَأْسِهِ ثَلَاثِينَ غُرْفَةً كَانَ دَوَاءَ السَّنَةِ- وَ إِنَّ أَوَّلَ كُلِّ سَنَةٍ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَان﴾َ.[[4]](#footnote-4) ما نتوانستیم ارتباط در امان بودن از خارش بدن را به سی تا را بفهمیم. بهتر این است که بگوئیم حکّه بخاطر غسل از بین می­رود.

بعد خود مرحوم سیّد فرموده «و لكن لا دخل لهذا العمل بالغسل بل هو مستحب مستقل»؛ اینجا از مواردی است که اگر روایات استحبابی اختلاف داشت، و بعض روایات، خصوصیّات را نقل کرد، و بعض دیگر مطلق بود؛ می­گوئیم خصوصیّات دخیل در استحباب نیست. مطلقاتی که غسل اول لیلة را می­گوید، به اطلاقاتش باقی است. اینکه در این دو روایت، خصوصیّات را بیان می­کند؛ اینکه خصوصیّات چه هستند، بند به استظهار است. که بعض خصوصیّات، ظاهرشان این است که در کمال دخالت دارند؛ بعض خصوصیّات هم ظاهرشان این است که مستحبٌ فی مستحب هستند.

مرحوم سیّد هم اینجا استظهار کرده است اینکه می­گوید سی تا بریزد؛ مستحبٌ فی مستحب است. نه اینکه برای بالاتر رفتن غسل باشد. در اینجا حقّ با مرحوم سیّد است؛ خصوصاً که اگر سی تا را حین الغسل ندانیم؛ که مستحب قبل از مستحب، یا مستحبٌ بعد از مستحب می­شود. خصوصیّاتی که ذکر می­شود، تارةً برای بیان أفضل الأفراد است. و اُخری برای بیان مستحبٌ فی مستحب است. می­گویند قرآن خواندن در ماه رمضان، ثواب روزه را زیاد نمی­کند، بلکه مستحبٌ فی واجب است. اما نسبت به آب جاری، از باب أفضل الأفراد است. آنی که در جَنب عمل است، ثواب فعل را زیاد می­کند. اما آنی که مستقل است، ثواب جدا گانه دارد.

##### مسأله 16: وقت غسل شبهای ماه رمضان

مسألة 16: وقت غسل الليالي تمام الليل‌ و إن كان الأولى إتيانها أول الليل بل الأولى إتيانها قبل الغروب أو مقارنا له ليكون على غسل من أول الليل إلى آخره نعم لا يبعد في ليال العشر الأخيرة رجحان إتيانها بين المغرب و العشاء لما نقل من فعل النبي (صلّی الله علیه و آله و سلّم) و قد مر أن الغسل الثاني في ليلة الثالثة و العشرين في آخره‌.[[5]](#footnote-5)

وقت غسل شبهای ماه رمضان، تمام شب است. زیرا «لیله» اطلاق دارد، و شامل تمام لیل می­شود. گرچه أولی این است که أول شب باشد؛ بلکه أولی این است که قبل از غروب یا مقارن غروب باشد؛ تا از أوّل شب تا آخر شب، دارای غسل باشد.

روایت أوّل: ﴿مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (علیها السلام) أَنَّهُ قَالَ: تَغْتَسِلُ فِي ثَلَاثِ لَيَالٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى أَنْ قَالَ- وَ الْغُسْلُ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ وَ هُوَ يُجْزِي إِلَى آخِرِه ِ﴾.[[6]](#footnote-6)

روایت دوم: ﴿وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَارَةَ وَ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ: الْغُسْلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ وُجُوبِ الشَّمْسِ قُبَيْلَهُ- ثُمَّ تُصَلِّي وَ تُفْطِر ُ﴾.[[7]](#footnote-7)

مرحوم سیّد در ادامه فرموده گرچه بعید نیست که بگوئیم در ده شب آخر ماه رمضان، غسل نمودن در بین مغرب و عشاء رجحان داشته باشد؛ به جهت آن روایت که فعل پیامبر را نقل نموده است. (کان یغتسل بین العشائین).

مرحوم سیّد فرموده و گذشت که وقت غسل آخر شب بیست و سوم، در آخر شب است. دلیل این مطلب، روایت برید بود. ﴿بإسنادنا إِلى أَبي محمّد هارون بن موسى رحمه اللّه بإسناده إِلى بريد بن معاوية، عن أَبي عبد اللّه قال: رأَيته اغتسل في ليلة ثلاث و عشرين من شهر رمضان مرّة في أَوّل‌ اللّيل، و مرّة في آخر ه﴾.[[8]](#footnote-8) که مراجعه کردیم و دیدیم که برید مشکلی ندارد، زیرا مراد برید بن معاویة العجلی است؛ که از اصحاب اجماع است. و اضمار در روایت هم مشکلی ندارد. اینکه در تنقیح فرموده وثاقت برید ثابت نیست؛ لعلّ اینها اشتباه مقرّر است. گرچه إسناد ابن طاووس مشکل دارد.

##### مسأله 17: کفایت غسل دوم شب بیست و سوم از غسل أول شب، در صورت ترک آن

مسألة 17: إذا ترك الغسل الأول في الليلة الثالثة و العشرين في أول الليل لا يبعد كفاية الغسل الثاني عنه‌ و الأولى أن يأتي بهما آخر الليل برجاء المطلوبية خصوصا مع الفصل بينهما و يجوز إتيان غسل واحد بعنوان التداخل و قصد الأمرين‌.

در شب بیست و سوم دو غسل دارد. یک بحثی است که شب قدر چه شبی است، ظاهر روایات و مؤیّداتی دارد، همان شب بیست و سوم است. یا اینکه در شب بیست و یکم تقدیر است و در شب بیست و سوم تحکیم إبرام است. ولی اینکه شب بیست و سوم مهمتر است، بحثی ندارد. اینها سندهایش تمام نیست، ولی به ذهن می­زند که مساعد اعتبار همین است؛ چون اگر شب قدر بیس و یکم بوده و تمام شده است، إحیاء در شب بیست سوم وجهی نداشت. فی الجمله تأثیر در شب بیست و سوم قطعی است. حال اصل و ابرامش باشد، یا ابرامش باشد. البته از روایات ظاهر می­شود که أئمّه ما بنا نداشتند که شب قدر را تعیین بکنند.

اگر در اول شب، غسل شب بیست و سوم را نکرد؛ آیا در آخر شب، دو غسل بکند، یا یک غسل کافی است؟ مرحوم سیّد فتوی داده که همان غسل دوم کفایت می­کند. که همین حرف، درست ست. چون غسل اول مال تمام لیل بود، و أفضل این بود که أوّل لیل باشد؛ و این غسل دوم مال آخر اللیل است؛ و الآن دو امر دارد، یک امر به غسل تمام اللیل و یک امر به غسل آخر اللیل دارد؛ که این داخل در صحیحه زراره می­شود که فرموده «إذا اجتمعت علیک حقوق یجزیک غسل واحد».

و بهتر این است که هر دو غسل را به رجاء مطلوبیّت بیاورد، چون شاید امر آن غسل ساقط نشده است. خصوصاً که اگر فاصله هم بیندازد، بهتر است. پس می­تواند یکی را به قصد یک غسل بیاورد. یا دو غسل بکند و هر کدام به قصد یکی از این دو غسل باشد. یا به قصد همه، یک غسل بکند.

##### مسأله 18: عدم نقض أغسال ماه رمضان با حدث أکبر و أصغر

مسألة 18: لا تنقض هذه الأغسال أيضا بالحدث الأكبر و الأصغر‌ كما في غسل الجمعة.‌

این اغسال مثل غسل جمعه است، که حدث أکبر و أصغر آنها را نقض نمی­کند. که بحثش در مسأله دوازدهم غسل جمعه مطرح شد.

#### سوم: غسل عید فطر و عید قربان

الثالث: غسل يومي العيدين الفطر و الأضحی ‌ و هو من السنن المؤكدة‌ حتى أنه ورد في بعض الأخبار: أنه لو نسي غسل يوم العيد حتى صلى إن كان في وقت فعليه أن يغتسل و يعيد الصلاة و إن مضى الوقت فقد جازت صلاته‌.‌[[9]](#footnote-9)

این هم مثل غسل جمعه است و مهم است. همان کلمه «واجب» که در غسل جمعه آمده بود، در غسل یوم العیدین هم آمده است. حتی در بعض أخبار آمده است که اگر غسل روز عید را فراموش کرد و نماز خواند، غسل بکند و نماز را إعاده بکند.

در بحث غسل جمعه، در روایات آمده است که غسل جمعه در رسیدن به کمال دخیل است. در روایت موثقه هست که اگر وقت هست، غسل جمعه بکند، و نماز را اعاده بکند؛ در غسل عیدین هم چنین روایاتی آمده است.

##### استدراک (مربوط به مسأله 16)

کلمه­ای که در بحث وقت غسل شبهای ماه رمضان باقی مانده است، به نظرم مرحوم سیّد راجع به اینکه غسل لیالی را می­شود بعد از طلوع فجر آورد. یعنی آیا «لیل» شامل بین الطلوعین می­شود یا نه؛ مرحوم سیّد مثل مشهور بین الطلوعین را داخل لیل می­داند. در اغسالی که موضوعش لیل است، ما بین الطلوعَین را ملحق به لیل می­داند؛ در سایر موارد بین الطلوعین را روز می­داند. مرحوم خوئی گیر کرده است؛ و گفته لیل تا طلوع شمس است.

مرحوم خوئی می­گوید آخر اللیل، عند طلوع الشمس است. حال آیا ایشان غسل لیالی را بین الطلوعین صحیح می­داند یا نه؟ مشهور که می­گویند جزء لیل نیست، و جزء یوم است؛ لذا در بین الطلوعین بحثی ندارند. ولی طبق مبنای مرحوم خوئی آیا می­شود غسل لیالی را بین الطلوعین انجام داد، یا نمی­شود. علی القاعده ایشان باید بگوید صحیح است.

1. - الخصال ؛ ج‏2 ؛ ص508 (حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) الْغُسْلُ فِي سَبْعَةَ عَشَرَ مَوْطِناً لَيْلَةِ سَبْعَ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ هِيَ لَيْلَةُ الْتِقَاءِ الْجَمْعَيْنِ لَيْلَةِ بَدْرٍ وَ لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ وَ فِيهَا يُكْتَبُ الْوَفْدُ وَفْدُ السَّنَةِ وَ لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ هِيَ اللَّيْلَةُ الَّتِي مَاتَ فِيهَا أَوْصِيَاءُ النَّبِيِّينَ (علیهم السلام) وَ فِيهَا رُفِعَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَ قُبِضَ مُوسَى (علیه السلام) وَ لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ يُرْجَى فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَ قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيُّ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) اغْتَسِلْ فِي لَيْلَةِ أَرْبَعَةٍ وَ عِشْرِينَ مَا عَلَيْكَ أَنْ تَعْمَلَ فِي اللَّيْلَتَيْنِ جَمِيعاً رَجَعَ الْحَدِيثُ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ فِي الْغُسْلِ وَ يَوْمِ الْعِيدَيْنِ وَ إِذَا دَخَلْتَ الْحَرَمَيْنِ وَ يَوْمِ تُحْرِمُ وَ يَوْمِ الزِّيَارَةِ وَ يَوْمِ تَدْخُلُ الْبَيْتَ وَ يَوْمِ التَّرْوِيَةِ وَ يَوْمِ عَرَفَةَ وَ غُسْلُ الْمَيِّتِ وَ إِذَا غَسَّلْتَ مَيِّتاً وَ كَفَّنْتَهُ أَوْ مَسِسْتَهُ بَعْدَ مَا يَبْرُدُ وَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ غُسْلُ الْكُسُوفِ إِذَا احْتَرَقَ الْقُرْصُ كُلُّهُ فَاسْتَيْقَظْتَ وَ لَمْ تُصَلِّ فَاغْتَسِلْ وَ اقْضِ الصَّلَاة). [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج3، ص325، ابواب أغسال مسنونة، باب14، ح4، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/325/نهر%20جار) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج3، ص325، ابواب أغسال مسنونه، باب14، ح5، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/325/الحکة) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج3، ص326، ابواب أغسال مسنونة، باب14، ح7، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/326/ثلاثین%20غرفة) [↑](#footnote-ref-4)
5. - العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج‌1، ص: 460‌. [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج3، ص324، ابواب أغسال مسنونة، باب13، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/324/ثلاث%20لیال) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج3، ص324، ابواب أغسال مسنونة، باب13، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/324/قبیله) [↑](#footnote-ref-7)
8. - الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحديثة)، ج‌1، صص: 376‌ - 375. [↑](#footnote-ref-8)
9. [العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج1، ص460.](http://lib.eshia.ir/10028/1/460/یومی%20العیدین) [↑](#footnote-ref-9)